امام، سرچشمه علم و عصمت

علم و عصمت امام دو ویژگی مهمی است که در امام وجود دارد. عصمت و معصومیت از گناهان از یک سو و علم نامحدود از جهان هستی از سوی دیگر سبب تمایز امامان از دیگر افراد گشته است. امام باید تمام احکام و قوانین دین را که برای سعادت دنیوی و اخروی مردم ضرورت دارد بداند، به اخلاق نیک و صفات زشت عالم آگاه باشد. عقاید صحیح و درست را بداند، عقیده‌های باطل و بی اساس را بشناسد و به طور کلی، باید آنچه لازم است بداند و از جمیع قوانین و احکامی که از جانب خدا نازل شده با اطلاع باشد.

حضرت باقر (ع) فرموده‌اند:«ما صاحبان ذکر و صاحبان علم هستیم، علم حرام و حلال نزد ماست».

برای اثبات این مطلب از دو دلیل می‌توان استفاده نمود:

 دلیل اول: همان دلیل هایی که برای اثبات ضرورت وجود امام وجود دارد؛یعنی همیشه باید یک فرد کامل انسانیت و نمونه جامع دیانت در بین مردم وجود داشته باشد که تمام کمالات انسانیت در وی به فعلیت رسیده و آینه تمام نمای دیانت باشد تا طریق دین و نیل به کمالات بی غایت ،بدون پیشوا نماند و ارتباط بین عالم غیب و نوع انسان محفوظ باشد.‌

لازمه این برهان این است که امام باید به تمام حقایق و احکام دین عالم باشد، زیرا کسی که نمونه دین است باید تمام احکام و حقایق دیانت را بداند و از روح و باطن آنها مطلع باشد و به حقیقت آنها نایل شده باشد، زیرا «عمل کردن»، فرعِ «دانستن» است. چون احکام و قوانین دین را می‌دانسته و با چشم باطن مشاهده می‌نموده به آن عمل می‌کند. او که به حقیقت و باطن دین نایل شده چگونه ممکن است از احکام و قوانین آن بی‌اطلاع باشد؟ او که در متن صراط مستقیم دیانت قرار گرفته چگونه تصور می‌شود به احکام آن جاهل باشد؟‌

دلیل دوم: خداوند حکیم که بشر را آفریده و در طریق کمال قرار داده هرگز او را در ضلالت و سرگردانی رها نمی‌سازد؛ بلکه لطف بی پایانش اقتضا دارد که راه رسیدن به سعادت دنیوی و نیل به کمالات معنوی را در اختیارش قرار دهد و به همین جهت احکام و قوانینی را که برای اداره امور دنیوی و پیمودن طریق کمالات روحانی او لازم بوده به وسیله پیغمبران برگزیده اش نازل نموده و در اختیارش قرار داده است.

 امام علی(ع) فرمود: «ما نور آسمان و زمین و کشتی‌های نجات هستیم. علوم پنهانی خدا نزد ماست و برگشت امور به سوی ما می‌باشد.»‌

و چون پیغمبر همیشه در بین بشر باقی نمی ماند و احکام و قوانین دین باید همیشه در بین آنان باقی بماند و راه رسیدن به کمال باید همواره برایشان مفتوح باشد، باید بعد از پیغمبر فرد معصومی در بین مردم موجود باشد تا احکام و قوانین را بدون کم و زیاد نگهداری کند و در ارشاد مردم و اجرای حدود و احکام الهی کوشش و جدیت کند و محیط را برای پیمودن راه کمال و پرورش انسان‌ها آماده سازد. تا مردم همیشه به احکام الهی و صراط مستقیم دیانت دسترسی داشته باشند و بتوانند بدان‌ها مراجعه نمایند. چنین فرد معصومی که حافظ و خزینه دار احکام می‌باشد و امور اجتماعی ملت را اداره می‌کند در اصطلاح شرع امام نامیده می‌شود.

 این برهان، وجود امام را برای حفظ و نگهداری احکام لازم می‌داند. بنابراین، لازمه اش این است که امام تمام احکام و قوانین دین را بدون کم و زیاد بداند و برنامه‌های لازم را در اختیار داشته باشد تا بتواند مشکلات دینی و اجتماعی آنان را حل کند و مسائل حرام و حلال را در اختیارشان قرار دهد و به بهترین شکل ممکن جامعه انسانی را به سوی غایت کمال انسانیت رهبری کند. با این وصف ممکن نیست مردم در یکی از امور مربوط به دیانت محتاج شوند ولی امام از حل آن عاجز باشد.